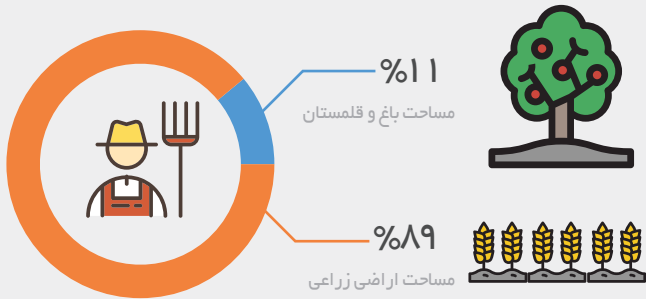
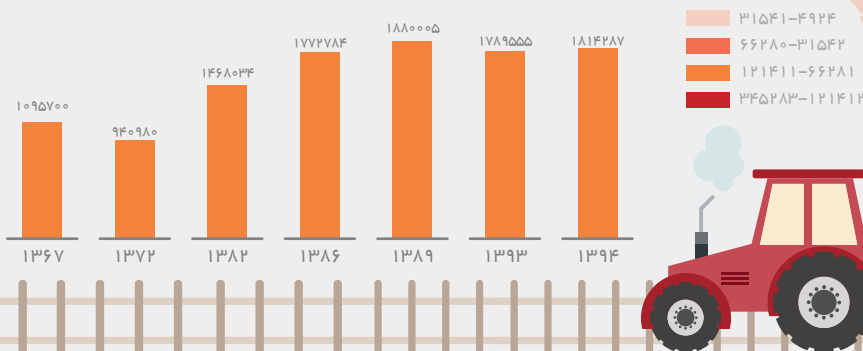


سهم اراضی زراعی و باغ و قلمستان‌های کشور از اراضی کشاورزی



روند تغییرات مساحت باغ و قلمستان‌های کشور - هکتار



اینفوگرافیک: آرشین میرسعیدی

رونق باغداری در بی‌آبی

آیا افزایش مساحت باغداری در بحران آب منطقی است؟

مرزیه محمودی

گزارش‌های مرکز آمار از رونق باغداری و افزایش محصولات باغی در دوران بی‌آبی خبر می‌دهد؛ خبری که هم می‌توان آن را از منظر افزایش تولیدات کشاورزی و افزایش رشد اقتصادی در بخش کشاورزی تحلیل کرد و هم آن را نشانه مطلوبی دانست یا از منظر کشاورزی سنتی و دامن زدن بیشتر به هدررفت آب در دوران بی‌آبی تفسیر کرد.

اما گزارش مرکز آمار چه نشانه‌های مثبت و منفی به ما می‌دهد؟ این گزارش می‌گوید مساحت باغ‌ها و قلمستان‌های کشور طی ۳۰ سال گذشته یعنی از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۴ از یک میلیون هکتار به ۱/۸ میلیون هکتار افزایش یافته است یعنی رشد حدود دو برابری. از این میان حدود ۶۹ درصد فضای باغ‌ها به باغ‌های تک‌محصولی اختصاص دارد و ۳۰ درصد دیگر دارای باغ‌های چندمحصولی است.

بخش دیگر این گزارش به مساحت باغ‌ها اشاره می‌کند چون یکی از مشکلات حوزه کشاورزی پراکندگی و خرد بودن زمین‌های کشاورزی است؛ امری که سبب می‌شود به‌کارگیری سیستم‌های پیشرفته برای کشاورزان مقرون به صرفه نباشد و کشاورزان با روش‌های سنتی در یک فضای کوچک در حد تامین معیشت خود به کار زراعت مشغول شوند و در پی افزایش ارزش افزوده بخش کشاورزی یا مدرن بودن سیستم‌های آبیاری یا مراحل کاشت و داشت و برداشت نباشد. این گزارش نشان می‌دهد ۱۸/۵ درصد مساحت باغ‌ها و قلمستان‌های کشور کمتر از یک هکتار هستند، ۴۷/۹ درصد مساحت باغ‌ها در مساحت یک تا پنج هکتار و ۳۳/۶ درصد در مساحتی بیش از پنج هکتار

بهره‌برداری می‌شود.

اما نکته دیگری که در این میان وجود دارد و یکی از سوالات اصلی است این است که آیا در شرایطی که کشور با مساله کم‌آبی مواجه است و به‌گواه همه گزارش‌ها، بخش کشاورزی یکی از خورنده‌ها و هدردهنده‌های اصلی منابع آبی در ایران است، آیا افزایش مساحت باغ‌ها امر مثبتی تلقی می‌شود یا منفی، آیا در چنین شرایطی باید کشت محصولات باغی را ادامه داد یا خیر اما در مساله کشاورزی تنها مساله مورد توجه آب نیست. کشاورزی و باغداری یکی از عوامل اصلی است که باعث ماندن روستاییان در روستاها می‌شود و از تخلیه بیش از حد روستاها و مهاجرت به شهرها جلوگیری می‌کند. گزارش مرکز آمار نگاهی هم به این مساله دارد. اگرچه این گزارش مستقیماً عنوان نکرده که چه میزان از باغ‌ها در روستاها و چه میزان در شهرهاست، اما این گزارش می‌گوید از مجموع ۱/۸ میلیون هکتار باغ و قلمستان ۱/۳ میلیون هکتار آن در اختیار خانوارهایی است که محل سکونت آنها واقع در همان شهر یا آبادی است و حدود ۵/۲ میلیون نفر را شامل می‌شود. همچنین این گزارش می‌گوید از ۴/۶ میلیون نفر از اعضای خانوارهای بهره‌بردار از باغ‌های کشور که سن آنها بیش از ۱۰ سال است، ۱/۱ میلیون نفر آنها شغل اصلی‌شان باغداری است. به عبارتی باغداری شغل اصلی ۱/۱ میلیون نفر است. همین مساله سبب می‌شود که نتوان تنها به مساله بحران آب توجه و باغداری را با اتکا به بحران آب محکوم کرد. از طرف دیگر یکی از موضوعات اصلی در حوزه کشاورزی توجه به مساله امنیت غذایی است. اگرچه این موضوع نیز جای بحث فراوان دارد و باید دید چه میزان از نیاز به محصولات کشاورزی باید در داخل تامین شود و چه میزان را می‌توان وارد کرد.

از طرفی مساله دیگر این است که آیا در افزایش فضای باغداری به‌ظرفیت‌ها و ویژگی‌های اقلیمی ایران توجه شده است؟ چون بر اساس این گزارش ۶۲ درصد تولیدات باغی کشور به ترتیب مربوط به هفت استان مازندران، فارس، کرمان، آذربایجان غربی، قزوین، آذربایجان شرقی و خراسان بوده است. در پرونده پیش رو به این سوالات پاسخ داده شده است که آیا افزایش مساحت باغداری مثبت است یا منفی؟ آیا در این افزایش به ویژگی‌های اقلیمی توجه شده و اینکه کشاورزی و باغداری در بحران آب چه نقشی دارد؟



حامیان باغستان

طرح آمارگیری باغداری‌های کشور بیانگر چیست؟

در بخش کشاورزی موضوع باغ و باغداری از دیرباز مورد مذاقه سیاستگذاران بوده و اهمیت اقتصاد آب و بازار مصرف محصولات باغی در بازار جهانی و مسائل زیست‌محیطی بالا بوده است. ارزش افزوده در اقتصاد باغداری طی دو دهه اخیر در نتیجه توجه به ماهیت طبیعی و بیولوژیک و گردش مالی روبه‌تزايد و قابل توجه و موضوع حفظ و بهینه‌سازی کاربری اراضی تبدیل به یکی از گفتمان‌های غالب در بخش کشاورزی شده است.

نگرانی از حفظ کاربری اراضی کشاورزی و استفاده از اراضی شیب‌دار که از زمینه‌های مهم در توسعه باغات بوده است، منجر به صدور بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌های گسترده برای ساماندهی مبنای توسعه باغات در جهاد کشاورزی شده است. افزایش کمی و کیفی در بهره‌برداری از سطوح زیرپوشش در مبادی مرتبط بخشی علی‌الخصوص مدیریت‌های تخصصی در حوزه کشاورزی به دلیل تنوع و تکرر و حجم فوق‌العاده در هر زیربخش از تقسیم‌بندی‌های اداری رو به تزايد برخوردار شده است. به گونه‌ای که تقریباً تمام زیربخش‌های بخش کشاورزی و حتی دامداری در تدوین برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت خود سهمی از فعالیت‌های خود را متمرکز کرده و به جمع‌آوری داده‌های آماری پرداخته‌اند. تعداد قابل توجهی از نهادها و بخش‌ها و زیربخش‌ها در موضوع توسعه و ارتقای کمی و کیفی باغات دارای برنامه و دستور کار هستند که به‌عنوان مثال برخی از آنها در زیر ذکر می‌شود.

۱- سازمان جنگل‌ها و منابع طبیعی در تمام سطوح مدیریتی با ورود به موضوع آمایش سرزمینی با گرایش به موضوع توسعه باغات غیر متمرکز و طرح‌های جنگل کاری

۲- شهرداری‌ها در تمام شهرها با ورود به موضوع سرانه فضای سبز در توسعه باغات غیر متمرکز و الگوی توسعه شهری

۳- جهاد کشاورزی در تمامی سطوح مدیریتی در توسعه کمی و کیفی باغات از نظر رسالت و حجم برنامه‌ریزی گسترده‌ترین نهاد در این زمینه است که با تدوین برنامه و تشکیلات سازمانی (در قالب معاونت‌ها و مدیریت و ادارات) به این مهم پرداخته و ساختار سازمانی مناسب این زیربخش را به اقتضای آمایش سرزمین و اقلیم فراهم کرده است که با تدوین برنامه و تعمیم آن به سایر زیربخش‌های زیر به توانایی بالقوه در صنعت باغداری عینیت بخشیده است.

الف- معاونت‌ها و مدیریت‌های امور اراضی در سطوح سازمانی برای تدوین ضوابط مالکیتی و حفظ کاربری اراضی طرح‌های باغی

ب- طرح و برنامه در تمام سطوح مدیریتی برای تامین اعتبارات دولتی و بانکی جهت اجرای طرح‌های باغی و مدیریت آمار فعالیت‌های باغی

ج- معاونت‌ها و مدیریت‌ها و ادارات تولیدات گیاهی برای تدوین و مطالعه و اجرای سیاست‌های تدوین‌شده بر اساس آمایش سرزمینی و اقلیمی و مبارزه با آفات و خسارات و کنترل ریسک‌های بیولوژیک و زیست‌محیطی

د- تنظیم بازار در سطوح مختلف سازمانی به موضوع بازارپایی و بازرگانی و تجارت داخلی و خارجی محصولات باغی

ه- تشکیلات سازمانی آب و خاک و سامانه‌های آبیاری در سطوح مختلف برای توسعه بهینه‌سازی سیستم‌های آبیاری و افزایش راندمان مصرف آب

و- تعاونی روستایی برای مدیریت بازرگانی و خرید تضمینی محصولات و ساماندهی شکل‌های مرتبط

ز- مراکز تحقیقات در سطوح مختلف سازمانی برای بررسی و مطالعات آمایشی و اقلیمی و یافته‌های تحقیقی و ارائه نتایج آن با مبادی مرتبط

ح- تشکیلات ترویج در سطوح مختلف سازمانی برای ارتقای سطح

عراق، آسیای میانه، کشورهای حاشیه خلیج فارس و کشورهای اروپایی صادر می‌شود. سیب ایرانی در بازارهای اروپایی از جایگاه خاصی برخوردار است و بازار کشورهای منطقه در چهار طرف فرصت خوبی برای ماست و باید به خوبی تامین شود. سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد «فائو» تاکید کرده است مزیت نسبی بخش کشاورزی ایران برای تامین همه نیازهای کشورهای منطقه خلیج فارس کافی است. با توجه به بیش از ۱۱ اقلیم متنوع و متمایز برای تامین امنیت غذایی و صادرات محصولات کشاورزی، ایران در تولید بیشتر محصولات باغی و زراعی رتبه‌های تکرریمی را در جهان دارد و می‌توان همچنان این جایگاه را ارتقا داد. در بخش محصولات باغی در رتبه‌های تکرریمی قرار داریم و رتبه ایران در تولید پسته و خرما معمولاً اول و دوم است و در تولید سیب رتبه سوم را داریم و ایران در تولید چای رتبه یازدهم است. ایران با یک میلیون و ۶۴۸ هزار کیلومتر مربع وسعت، ۱۴/۵ میلیون هکتار جنگل، ۸۴/۵ میلیون هکتار مرتع، ۳۲/۵ میلیون هکتار بیابان و ۲/۵ میلیون هکتار بیشه‌زار دارد که حدود ۸۳ درصد عرصه کشور را دربر گرفته است. ایران در تولید ۱۹ میوه رتبه تکرریمی و در محصولات پسته، زعفران، انار، خرما، گردو، بادام، کیوی، گیلاس و زردآلو رتبه‌های اول تا سوم را در جهان دارد. در رویکردهای سیاسی در حدفاصل سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۳ ساختار اقتصادی در کشور تحت فشارهای داخلی و خارجی مجبور به تغییرات قابل توجهی در ترزهای تجاری در محصولات کشاورزی شد که در میان کلیه محصولات مصرفی متأسفانه به محصولات باغی و به‌طور مشخص میوه آسیب بیشتری وارد شد.

طرح آمارگیری چه می‌گوید؟

در طرح آمارگیری انجام‌شده در سال ۱۳۹۴ که با تفاهمنامه بین سازمان مدیریت و وزارت جهاد کشاورزی شکل گرفت بررسی آمار باغات موجود و توسعه آن طی سال‌های ۱۳۶۷ تا ۱۳۹۳ مورد تحلیل قرار گرفته است و آنالیز و جداول و نمودارهای تولید و سطح توسعه محصولات مختلف باغی نشانگر اجرای برنامه‌های توسعه‌محور برای توسعه بوده است. البته افزایش کمی محصولات باغی موضوعی است که در نظام ارزشی اقتصاد و بهینه‌سازی مصرف آب و اراضی دارای ارزش افزوده است اما از نظر نگارنده پارامترهای مهمی از جمله بررسی ساختار هزینه توسعه و الگوی هزینه‌کرد در این آمارگیری لحاظ نشده و این در حالی است که ساختار هزینه اجرای طرح‌های تولیدی و عمرانی از الگوهای مناسبی در کشور برخوردار نیست که البته این عارضه منحصر به کشور ما نیست بلکه اغلب کشورهای در حال توسعه گرفتار آن هستند. در کشور ما این عارضه به دلیل ساختار غیرتولیدی نظام بودجه‌ریزی در حد بالایی موجب اتلاف سرمایه شده است. در ایران الگوی مصرف اعتبارات توسعه‌ای در حد قابل ملاحظه و معنی‌داری از نقطه ایده‌آل فاصله دارد که البته به دلیل تابعیت ساختار اقتصادی از ساختار سیاسی از الگوی مناسب توسعه بی‌بهره است و این موضوع موجب اتلاف نسبی سرمایه‌های حاصل از توسعه است. البته این عارضه در تمام بخش‌های کشور به‌طور یکسان اتفاق نیفتاده است و میزان مشارکت سرمایه‌های باغداران در توسعه سطح باغات موضوعی است که جای بحث و تحلیل دارد. ارتقای فرهنگ مدیریت توسعه تولیدات باغی در ایران به دلیل ساختار نامناسب اقتصادی و نظام بودجه‌ای و خصوصیت‌های بازار سرمایه تجربه‌محور است در حالی که باید برنامه‌محور یا حداقل الگو‌محور باشد و این اشتباه ساختاری در پی علت‌های زنجیره‌ای و سیستمی موجب بالاتر بودن قیمت تمام‌شده محصول نسبت به نرم‌های متوسط بازار جهانی است و محدودیت هدف توسعه به فقط بازار داخلی چیزی است که در عمل حاصل شده است و این نقیصه‌ای قابل توجه در الگوهای توسعه است. البته سیاست‌های حمایتی در قالب یارانه تولید می‌تواند بخشی از این اشتباه سیستمی را جبران کند اما آنچه از نظر دیدگاه‌های ساختارگرا در اقتصاد تولید مهم و اساسی و غیرقابل چشم‌پوشی است توان رقابت در بازار جهانی فروش محصولات است که جز با برنامه‌محوری در ساختار توسعه امکان‌پذیر نیست.

آگاهی و ترویج و آموزش باغداری
ط- تشکیلات نظام صنفی برای
سازماندهی ارتباطات و مطالبات صنفی
زیربخش باغداری
۴- نهادهای دولتی و خصوصی در صنایع
تبدیلی و انبارداری محصولات
۵- گمرک و وزارت صنعت، معدن و تجارت
در امر واردات و صادرات و ترزاز تجاری
محصولات باغی

هرکدام از مبادی ذکر شده بالا در مورد باغ و باغداری دارای دستور کار و ضوابطی هستند که به مقتضای ماهیت ارتباط به انجام وظیفه مشغول‌اند. ولی فرهنگ مصرف بهینه و تولید سودآور صنعتی پارامترهایی بسیار مهم هستند که در ساختارهای اقتصاد و فرهنگ مصرف در کشور از نقطه ایده‌آل فاصله معنی‌داری با کشورهای پیشرفته دارند و جدا دارد که با توجه به ماهیت تولیدات کشاورزی که عموماً فسادپذیر بوده و ریسک‌های بازاریابی در این بخش را دارند به حلقه صنایع مرتبط تبدیلی و انبارداری در این زنجیره اقتصاد توجه ویژه شود کم‌اینکه کشورهایی که در اقتصاد محصولات باغی در دنیا دارای برندهای شناخته شده هستند به این موضوع توجه ویژه دارند.

وضعیت فعلی ایران

در نرم آمایش اقلیم در دنیا، ایران میزبان ۱۱ نوع اقلیم است و در تولید ۱۴ محصول باغی رتبه‌های اول تا ۱۰ را در اختیار دارد. ۱۸ درصد محصولات کشاورزی را گروه باغی تشکیل می‌دهد اما ۸۰ درصد صادرات کشاورزی در اختیار محصولات باغی است که از کیفیت بسیار خوبی در مقایسه با هم‌تاهای خارجی بهره می‌برد. در تولید محصولات جالیزی در دنیا رتبه‌های خوبی وجود دارد اما با توجه به هزینه‌ها و مقدار تولید محصولات باغی فعالیت‌های توسعه‌ای در این بخش توجیه اقتصادی بالایی دارد و در برخی مواقع باغداران در هر هکتار می‌توانند ۱۵۰ تا ۱۶۰ میلیون تومان درآمد کسب کنند. تنوع اقلیمی مهم‌ترین مزیت برای تولید و صادرات کشاورزی و باغی ایران است و سالانه حدود هفت میلیون تن انواع مرکبات از باغ‌های کشور برداشت می‌شود. محصولات باغی ایران به ویژه سیب به کشورهای هند، پاکستان، افغانستان، ترکیه،

توقف تولید کشاورزی، توقف اشتغال است

بررسی توسعه باغداری در گفت‌وگو با معاون موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی

در شرایطی که مساله کم‌آبی در ایران بیش از گذشته طرح می‌شود، بخش کشاورزی یکی از بخش‌هایی است که به مصرف بیش از حد و هدررفت منابع آبی متهم می‌شود. اما معاون موسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی در این گفت‌وگو چنین مساله‌ای را رد می‌کند. مجتبی پالوج می‌گوید ما در کشوری زندگی می‌کنیم که در کمربند خشک و نیمه‌خشک قرار دارد و آب در آن بسیار کمیاب است. اگرچه منابع آبی کم است اما کاهش تولید و زراعت برای جلوگیری از مشکل آب نسخه مناسبی نیست و بیشتر نگاهی تک‌بعدی است. این عضو هیات‌علمی به مزیت‌های بخش کشاورزی و باغداری در ایران اشاره می‌کند و می‌گوید: باغبانی یکی از زیربخش‌های کشاورزی است و کشاورزی هم در رشد اقتصادی کشور، ایجاد عدالت اجتماعی و توزیع درآمد نقش مهمی دارد. پالوج تاکید می‌کند توسعه کشاورزی به ویژه باغبانی، مهم‌ترین عامل در رونق و توسعه مناطق روستایی بوده و نرخ رشد کشاورزی مهم‌ترین شاخص در افزایش تولید ناخالص داخلی، کاهش فقر و کاهش مهاجرت است. رشد باغبانی از طریق تاثیر بر بخش روستایی غیر کشاورزی نیز فقر را کاهش می‌دهد. او می‌گوید مهاجرت یا ماندن افراد در روستاها تحت تاثیر عوامل بسیاری است اما تاثیر کشاورزی بر این مساله را نمی‌توان کتمان کرد. به همین دلیل است که او در این گفت‌وگو از توسعه فضای باغداری در کشور استقبال می‌کند و می‌گوید ما از توسعه فضای باغداری یا فعالیت‌های کشاورزی در کشور به شدت استقبال می‌کنیم. مشروح این گفت‌وگو را در ادامه می‌خوانید.

این عبارت حائز اهمیت است. یا مساله‌ای تحت عنوان «بحران آب» ذکر شده است که استفاده از این عبارت نیز مناسب نیست، ویژگی اقلیمی ایران این است که در اقلیم خشک و نیمه‌خشک قرار دارد و کم‌آبی از ویژگی‌های ذاتی و طبیعی کشور است و بروز خشکسالی از گذشته‌های دور و نزدیک نیز اتفاق افتاده و مشکل کمبود آب در ایران کاملاً محسوس است اما بحران تعریف خاص خود را دارد و به عنوان ترم علمی باید از آن درست استفاده شود هر چند در مدیریت آب مشکل جدی داریم.

از طرف دیگر تخلیه روستاها دلایل مختلف و متعددی دارد و توسعه روستایی مقوله‌ای چندساختی است و در جای خود باید بحث شود هر چند توسعه باغداری نیز در توسعه روستایی و نگهداشت جمعیت می‌تواند موثر باشد و منجر به باقی ماندن افراد بیشتری در روستاها شود. در جواب بخش دیگر سوال شما هم باید بگویم که طبیعتاً باغ‌ها در مناطق روستایی بیشتر از مناطق شهری است. دلیل آن هم مشخص است. طبیعی است که مناطق روستایی به دلیل گستردگی و پراکندگی و سطح بیشتر، باغداری بیشتری نسبت به مناطق شهری داشته باشد.

سوال دیگری که در ادامه سوال قبلی دارم این است که آیا افزایش مساحت باغداری به معنای افزایش درآمد حاصل از کشاورزی یا افزایش سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی است و می‌تواند مانعی برای مهاجرت افراد به شهرها باشد یا خیر؟

ببینید افزایش مساحت باغداری از یک جهت به معنای افزایش درآمد یا افزایش سهم کشاورزی از تولید ناخالص داخلی است چرا که افزایش سطح، افزایش تولید را به همراه خواهد داشت، کمالاتی که در دوره‌ای که سوال فرمودید (فاصله سال‌های ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۴) افزایش سطح باغداری در کشور حدود دو برابر شده اما تولید حدود سه برابر افزایش داشته است که بخشی از این افزایش تولید ناشی از افزایش سطح و بخشی نیز مربوط به ارتقای بهره‌وری و افزایش عملکرد در واحد سطح است.

توسعه کشاورزی به ویژه باغبانی، مهم‌ترین عامل در رونق و توسعه مناطق روستایی بوده و نرخ رشد کشاورزی مهم‌ترین شاخص در افزایش تولید ناخالص داخلی، کاهش فقر و کاهش مهاجرت است. رشد باغبانی از طریق تاثیر بر بخش روستایی غیر کشاورزی نیز فقر را کاهش می‌دهد.

یکی از انتقاداتی که به بخش کشاورزی ما وارد می‌شود این است که شیوه‌های کاشت و داشت و برداشت محصولات باغی سنتی است و این سبب می‌شود که ارزش افزوده چندانی ایجاد نشود. آیا روش‌های کشاورزی مکانیزه و به روز شده است یا همچنان از شیوه‌های سنتی استفاده می‌شود؟

برای مکانیزه کردن کشاورزی و باغداری در ایران تلاش‌های زیادی انجام شده. از آن جمله نفوذ دانش و فناوری به عرصه یکی از اهداف وزارت جهاد کشاورزی است و جزو اهدافی است که همواره دنبال شده است. سازمان تخصصی در این خصوص به فعالیت تحقیق، ترویج و



طبق گزارش اخیر مرکز آمار مساحت باغات و قلمستان‌های کشور افزایش یافته و از یک میلیون هکتار سال ۱۳۶۷ به ۱/۸ میلیون هکتار در سال ۱۳۹۴ رسیده است و حدوداً دو برابر شده. آیا به نظر شما چنین افزایش طبیعی است؟ چون اصولاً تصور می‌شود فضای باغات کشور به نفع ساخت و سازهای مسکونی کاهش یافته اما این گزارش خلاف این موضوع را نشان می‌دهد. آماري که مرکز آمار منتشر کرده در کلیت خود مساله افزایش سطح باغ‌ها و قلمستان‌های کشور را بیان می‌کند اما ارقام ارائه‌شده باید به دقت بررسی شود. اما من باید تاکید کنم که افزایش حدود دو برابری فضای باغ‌های کشور طی ۳۰ سال گذشته کاملاً منطقی بوده و برنامه‌ریزی شده است. البته نمی‌توان کتمان کرد که در موارد بسیاری زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها تغییر کاربری داده و فضای آنها در اختیار ساخت و سازهای مسکونی قرار گرفته اما افزایش سطح باغ‌ها به مراتب بیشتر از کاهش سطح آنها به دلیل تغییر کاربری بوده و قدر مطلق آن بیشتر است. البته این جمله به مفهوم توجیه تغییر کاربری نیست. سطح باغات کشور از حدود ۱/۳ میلیون هکتار در سال ۱۳۶۷ به ۲/۳ میلیون هکتار در سال ۱۳۹۴ رسیده است. اما آمارهای منتشر شده این نکته را یادآور می‌شود که هر چند سطح دو برابر شده اما تولید طی این دوره سه برابر شده است.

این افزایش فضای باغداری در کشور را باید با دید مثبت نگاه کرد یا منفی؟ این افزایش چه مزایا و معایبی برای اقتصاد ایران دارد؟

قطعاً افزایش فضای باغداری در کشور را باید به دید مثبت نگاه کرد، باغبانی یکی از زیربخش‌های کشاورزی و دارای مزیت‌های بسیار خوبی است. استفاده از این مزایا در کشاورزی حائز اهمیت است و کشاورزی نیز در رشد اقتصادی کشور، ایجاد عدالت اجتماعی و توزیع درآمد نقش مهمی دارد. از طرف دیگر فراموش نکنیم که اقتصاد ایران به کشاورزی وابستگی وثیقی دارد. برای تحقق توسعه و رونق اقتصاد نمی‌توان کشاورزی را به نفع بخش‌های دیگر نادیده گرفت. نگاه غلط به کشاورزی، مانع توسعه است، برای سرعت بخشیدن به توسعه باید کشاورزی تشویق شود و نقش عمده‌ای به آن داده شود. کشاورزی فرصت‌های بسیار گسترده‌ای برای پیشرفت فراهم می‌آورد. به همین دلیل است که ما از توسعه فضای باغداری یا فعالیت‌های کشاورزی در کشور به شدت استقبال می‌کنیم.

این سوال را از آن جهت پرسیدم چون زمانی که مساله باغداری و کشاورزی مطرح می‌شود دو نگاه متفاوت وجود دارد. یکی نگاه مثبتی که می‌گوید افزایش باغداری مویذ افزایش کشاورزی و ماندن افراد در مناطق روستایی و عدم تخلیه روستاهاست. اما نگاه دیگر بر مساله بحران آب و عدم صرفه کاشت محصولات باغی تاکید می‌کند. حال چند سوال وجود دارد: اول اینکه باغداری در مناطق روستایی بیشتر وجود دارد یا مناطق شهری و اطراف شهرها؟

ابتدا لازم است دو بحث روشن شود، اول باغداری یا باغبانی یکی از زیربخش‌های کشاورزی است و در درون آن تعریف می‌شود همانند زیربخش زراعت، دام و... بنابراین استفاده صحیح از

توسعه کشاورزی به ویژه باغبانی، مهم‌ترین عامل در رونق و توسعه مناطق روستایی بوده و نرخ رشد کشاورزی مهم‌ترین شاخص در افزایش تولید ناخالص داخلی، کاهش فقر و کاهش مهاجرت است. رشد باغبانی از طریق تاثیر بر بخش روستایی غیر کشاورزی نیز فقر را کاهش می‌دهد.

آموزش می‌پردازد. موسسه تحقیقات علوم باغبانی تاسیس و راه‌اندازی شده است. بنابراین تلاش می‌شود تا از شیوه‌های نوین در کاشت و داشت و برداشت استفاده شود و باغات مکانیزه در سطح کلاس یک جهان در کشور وجود دارد و نوسازی باغات قدیمی به عنوان یک هدف در دستور کار وزارت جهاد کشاورزی است و از فناوری‌های نوین استفاده می‌شود و دانش‌بنیانی یکی از ارکان و تاکیدات اقتصاد مقاومتی است. در باغبانی ورود بیشتر به عرصه گیاهان دارویی ارزش‌افزوده زیادی ایجاد خواهد کرد.

آموزش می‌پردازد. موسسه تحقیقات علوم باغبانی تاسیس و راه‌اندازی شده است. بنابراین تلاش می‌شود تا از شیوه‌های نوین در کاشت و داشت و برداشت استفاده شود و باغات مکانیزه در سطح کلاس یک جهان در کشور وجود دارد و نوسازی باغات قدیمی به عنوان یک هدف در دستور کار وزارت جهاد کشاورزی است و از فناوری‌های نوین استفاده می‌شود و دانش‌بنیانی یکی از ارکان و تاکیدات اقتصاد مقاومتی است. در باغبانی ورود بیشتر به عرصه گیاهان دارویی ارزش‌افزوده زیادی ایجاد خواهد کرد.

آیا ارزش‌افزوده‌ای که محصولات باغی ایجاد می‌کنند با میزان آبی که استفاده می‌کنند منطبق هست یا خیر؟

توجه داشته باشید که اساساً آب انفال است و برای تامین احتیاج ضروری در اختیار حکومت اسلامی است. به عبارت دیگر آب برای کشاورزی به منظور تامین امنیت غذایی است و امنیت غذایی نیز کالایی عمومی است که دولت موظف به تامین آن است. در دنیا نیز همین است و آب به کشاورزی اختصاص می‌یابد، کشاورزی یا از آب سبز استفاده می‌کند یا آب آبی و... بر اساس آمار منابع رسمی ۷۰ درصد آب در جهان به کشاورزی اختصاص دارد. گونه‌های مهم باغی نیز نیاز آبی متفاوتی دارند، حتی یک گونه بستگی به اقلیم‌های مختلف و ارقام، نوع خاک و... در هر دشت و در هر واحد همگن و میکرواقلیم نیاز متفاوتی دارد که قابل محاسبه است.

عده‌ای معتقدند برای کاهش بحران کم‌آبی باید تولید زراعت کاهش یابد. برخی معتقدند محصولاتی که نیاز آبی زیاد دارند نباید تولید شود. برخی معتقدند تجارت مجازی آب داشته باشیم و محصولات با نیاز آبی بالا را از خارج وارد کنیم. برخی معتقدند باید بهره‌وری آب را افزایش دهیم نه اینکه کاهش تولید داشته باشیم. نگاه درست کدام است؟

البته ابتدا باید نسبت ارزش‌افزوده با آب را کامل شفاف کنید و آنگاه بتوانید این نسبت را برای محصولات باغی محاسبه کنید. آب در افزایش تولید نقش دارد و بدیهی است که در ارزش‌افزوده نیز موثر است اما این مساله ملاک و سنججه و قضاوت مناسبی برای تخصیص آب نیست، مسائل پرشماری وجود دارند که در ارزش‌افزوده اثرگذار هستند و صفر فرض کردن مختلف عوامل دیگر این سوال را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

باید توجه داشت که وقتی درآمد افزایش می‌یابد و رفاه بهبود پیدا می‌کند تقاضا برای محصولات باغی هم افزایش پیدا می‌کند و برای افزایش رفاه باید برای متقاضی هم میوه مورد نیاز قابل تامین باشد تا به مطلوبیتی که می‌خواهد دست یابد.

محصولات کشاورزی و باغی به آب زیادی نیاز دارند و یک نگاه این است که تولید آنها را متوقف کنیم. اما از طرف دیگر توقف کشاورزی به تخلیه بیشتر روستاها و مهاجرت روستاییان دامن می‌زند. به نظر شما آیا باید به رغم مشکل آب از باغداری حمایت کنیم که مانع مهاجرت افراد شویم؟

ببینید ما در کشوری زندگی می‌کنیم که در کمربند خشک و نیمه‌خشک قرار دارد و آب در آن بسیار کمیاب است بنابراین باید از قطره‌قطره آب به نحو بهینه و کارآمد با بهره‌وری بالا استفاده کنیم. آب نهاده بسیار مهمی برای تامین نیاز حیات یعنی غذا و تامین امنیت غذایی در کنار پارامترهای متعدد دیگر است. اما اگرچه منابع آبی ما کم است اما کاهش تولید زراعت با توجه به تجارت مجازی آب، نسخه مناسبی نیست و بیشتر نگاهی تک‌بعدی است. ما اگر بخواهیم فعالیت‌های کشاورزی و باغداری را کاهش دهیم که میزان مصرف آب کاهش یابد گویا صورت مساله را پاک کرده‌ایم. این در حالی است که ما قطعاً باید درصدد حل اصلی موضوع باشیم. از جمله راهکارهایی که می‌توان برای حل مشکل پیشنهاد کرد یکی ایجاد تمهیدات و زیربناهای لازم برای افزایش بهره‌وری است. ما باید به جای عدم تخصیص آب به بخش کشاورزی سعی کنیم بهره‌وری این بخش را افزایش دهیم. بدیهی است از طریق نفوذ فناوری در بخش کشاورزی می‌توان تولید را افزایش و بهره‌وری را ارتقا داد. پس باید درصدد راههایی برای افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی باشیم. چون پیش از این هم تاکید کردیم باغبانی یکی از زیربخش‌های کشاورزی است و کشاورزی و تولید محصولات باغی یکی از مزیت‌های اقتصاد ایران است. ما باید از این مزیت استفاده کنیم و فراموش نکنیم که اقتصاد ما به کشاورزی وابستگی دارد.

اما اخیراً با توجه به تشدید کم‌آبی در جهان و البته ایران مساله امنیت غذایی اهمیت خاصی یافته است. برخی با استناد به مصرف زیاد آب توسط بخش کشاورزی می‌گویند برخی از محصولات نباید تولید یا صادر شوند و برخی از محصولات باید وارد شوند. نگاه شما چیست؟ این نگاه که چون تولید محصولات کشاورزی آب زیادی مصرف می‌کند، باید متوقف شود نگاه بسیار بدبینانه و افراطی است. اگر قرار باشد آب به مصرف گیاه نرسد و آب به بخش کشاورزی اختصاص نیابد و منجر به تولید محصولات کشاورزی و باغی نشود پس کدام بخش

کشور ایران در اغلب محصولات باغی دارای مزیت نسبی است و بخش عمده‌ای از صادرات غیرنفتی ما را محصولات باغی تشکیل می‌دهد. ضریب تکاثری اشتغال در باغ زیاد بوده و در اقتصاد کشور و در رونق کسب و کار موثر است. تخلیه روستاها و مهاجرت دلایل بسیار زیادی دارد. نمی‌توان این دلایل را صرفاً به توسعه یا عدم توسعه باغداری نسبت داد از طرفی نمی‌توان تاثیر فعالیت‌های باغی بر ماندن افراد در روستاها را هم کتمان کرد. کشاورزی و از جمله باغبانی در توسعه ملی و افزایش رفاه عمومی، فقرزدایی، تنوع بخشیدن و پایدار کردن الگوی توسعه شهری، توزیع درآمد و عدالت اجتماعی کمک می‌کند و موثر است.

نقش کشاورزی در کاهش فقر بسیار چشمگیرتر از دیگر بخش‌هاست و در برقراری الگوی صحیح توسعه شهری موثر است. در صورت عدم توجه به کشاورزی توسعه شهرنشینی الگوی متمرکز و ناسالمی به خود می‌گیرد که پیدایش شهرهای بزرگ با هزینه زندگی بسیار بالا مثال بارز آن است.

اجازه دهید سوال را به گونه دیگری عنوان کنم. از نظر شما سهم باغداری در ایجاد بحران آب چیست؟ آیا واقعاً کشاورزی و محصولات زراعی و شیوه نادرست آن مهم‌ترین عامل هدررفت آب است، آیا اقداماتی مانند تولید محصولات فولادی در مناطق کویری با توجه به مصرف بالای آب در هدررفت آب موثر نیست؟

نگاه تقلیل‌گرایانه به باغ، نگاه ناشی از عدم شناخت دقیق است. باغ به دلیل پوشش مناسبی که دارد در ترسیب کربن، در تولید اکسیژن و تلطف هوا، در ایجاد چشم‌اندازهای زیبا، در نگهداری و نفوذ آب در زمین، در جلوگیری از تبخیر، در جلوگیری از انواع فرسایش نقش منحصربه‌فردی دارد و در کنار آن نقش آن در تولید و اشتغال و رونق کسب و کار حائز اهمیت است.

امنیت غذایی صرفاً به مفهوم سیری شکمی نیست. مصرف محصولات باغی منافاتی با امنیت غذایی ندارد، اتفاقاً در سیر سلولی محصولات باغی نقش بسزایی دارند و به‌ویژه در تامین انواع ویتامین‌های مورد نیاز و در سلامت انسان ایفای نقش می‌کنند.

ظرفیت منابع پایه اعم از آب، خاک، اقلیم و همچنین ظرفیت دانشی کشور امکان افزایش تولید را دارد و دستیابی به خودکفایی در اغلب محصولات راهبردی امکان‌پذیر است. برنامه‌ریزی اصولی برای استفاده از تمامی ظرفیت‌های داخلی و افزایش تولید با مشارکت و همفکری و عدم هجمه به این مساله به بهانه‌های واهی، به هر حال توسعه زیربنای فیزیکی و استفاده از منابع انسانی فکور برای رشد و توسعه کشاورزی ضروری است.

آینده باغداری در ایران چه خواهد شد؟

زیربخش باغبانی یکی از مهم‌ترین زیربخش‌های بخش کشاورزی است که از نظر مقدار و تنوع تولید و همچنین ارزش غذایی محصولات تولیدی و جایگاه صادراتی دارای اهمیت زیادی است. محصولات باغی به دلیل چندساله یا دائمی بودن گونه‌های مورد کشت، سطح زیر کشت آن کمتر دستخوش تغییرات شدید افزایشی یا به‌ویژه کاهش (به دلیل ارزش اقتصادی بالای باغ) قرار می‌گیرد.

محصولات باغی تقاضای خودش را دارد و با افزایش سطح زندگی متقاضیان آن نیز بیشتر خواهد شد. امکان افزایش تولید در واحد سطح با استفاده از فناوری‌های نوین در استفاده از انواع نهال و در فرآیند تولید و زنجیره ارزش وجود دارد. توسعه باغات در اراضی شیب‌دار و نوسازی باغات از جمله سیاست‌های اجرایی دستگاه ذی‌ربط است بنابراین آینده‌ای بسیار روشن و امیدوارکننده در باغداری ایران در انتظار باغداران و سرمایه‌گذاران این عرصه است. باید تاکید کنم کشور در تولید محصولات باغی مزیت نسبی دارد و در تعداد زیادی از محصولات باغی رتبه ۱ تا ۱۰ را حائز است و اندیشمندان و متفکران توسعه چون ولیامز ملر برای ایران توسعه باغات را توصیه می‌کنند.

باغبانی با توجه به کسب درآمد برای تولیدکنندگان، حفظ و توسعه منابع آب و خاک و بهره‌برداری بهینه از منابع، تامین میوه مورد نیاز کشور، کمک به تامین سلامت تغذیه‌ای و توسعه صادرات محصولات غیرنفتی و تامین ارز و ایجاد اشتغال مولد با هزینه کمتر نسبت به اشتغال ایجادشده در سایر فعالیت‌ها آینده‌ای روشن دارد. عواملی چون جذابیت سرمایه‌گذاری و بهره‌وری بالا، تهیه و تامین به موقع نهال مناسب، اعطای تسهیلات و ایجاد انگیزه در باغداران، کشت‌پذیر بودن بازار مصرف و رونق صادرات از جمله عوامل موثر برای آینده روشن آن است.